

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
ساحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیة (جبل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نائب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر ادارة افاضی شیخ یحیی کاشانی
میراز روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیة

دولتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰۰ مانات
سایر ممالک خارجه ۳۰ قران

(قیمت يك نسخه)

در طهران صد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری

دو قران است

روزنامه یومیة ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامنا قبول و فراتنشارش اداره آزاد است

پنج شنبه ۲ رمضان المبارک ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۳ مهرماه جلالی ۸۲۹ و ۱۱۰ اکتبر ۱۹۰۷ میلادی

سیاسی

راجع به ماهه از شماره های گذشته

بلی مامیگویم همه این کشمکش و منازعه در سرلحاظ
نلانصر الدین بود است نه انگلیس از این معاهده به
پترزبورگ و سایر نقاط روسیه دست تصرف دراز خواهد
کرد و نه روس از این عهد نامه ملك جزائر اصلی بریتانیا
خواهد شده مانا اگر گذشت و بخششی از هر سمت بطرف
مقابل و حریف باشد از خاک دیگران است روس جنوب
شرقی ایران را با سکیس می بخشد و انگلیس شمال و
مرکز ایران را بروس عطا و موهبت میفرماید -
پس ما باید بفکر کار خود باشیم و دودسته باهمه دقت و
مواظبت کلا خود را نگاه داریم و بهیچ وجه مقید بین
فصول معاهده که جملگی بر ضرر ما بسته شده نباشیم چنانکه
یکی از محترم و دانائین وکلای ما در مجلس تصریح باین
مسئله نمود که : دولتین روس و انگلیس خود میداند هر نوع
قراری باینکه بگذرد بدهند منتی نبایستی در این مورد نازل اینطور در علیه
ما معاهده بکنند لکن حال که کرده اند خود میداند ولی
ما بقدر سر سوزنی خود را بهیچ کلمه از کلمات آن مقید و
پای بند نمیدانیم و هر وقت صرفه ما اقتضاء کرد از طرف
همال بانگستان امتیاز خواهیم داد و بالعکس اگر مطابق
صلاح خود بدانیم در جنوب شرقی امتیاز بدولت روس
یاتیبه روس خواهیم بخشید و هیچ يك از دولتین معاهدتین
را نمیرسد کلمه در این خصوص باماندا کره کنند زیرا که
ایران دولتی است مستقل صاحب (اند پاندانس -
(واتگریته) یعنی آزادی و کامل الحریه که در تمام قلمرو
ملك خود استقلال دارد هماتقسم که در ارك سلطنتی مستقل
است همان قسم در بیدترین قاط مملکت خود و مجاورترین

اراضی خود بخاک دولتین همان نفوذ و استقلال و حکمرانی
را دارد در ملك خود هر قبیل تصرفی بخواهد بکند آزاد است
و هیچ دولتی حق منع ندارد و خود دولتین نیز بطور
صریح این اتگر یته را قبول کرده و بهم دیگر خاطر
نشان نموده اند

و همین قسم آنکه در فصل پنجم در خصوص ارسال
کنترل و مفتش معین شده اند ما انرا قبول نداریم مگر آنکه
بر طبق یک معاهده بین ایران و یکی از دولتین شده باشد
ولی اگر مادر معاهده و شرایط استقراض ارسال کنترل
را قبول نموده و قراری داده ایم بصری این معاهده تن
باین امر در نمیدهیم و راضی بفرستادن مفتش نمیگردیم
زیرا که آنکس که مقید بوصول این معاهده نامه است دو
دولت معاهدت ریطی ایران ندارد چنانکه دو تقر باهم
قرار میدهند که جلس از فلان مفازه نخرند پس از دوفر
بحکم عهد مجبور بترك معامله هستند ولی اگر یکی
خواست معامله بکند صاحب مفازه با کمال حریت در فروختن
و معامله کردن آزاد است زیرا که هرگز با احدی عهدی
نبسته و بیعانی نکرد.

حاصل آنکه دولت ایران چنانکه حق دارد بدولتین
هیچ امتیازی ندهد و در نقاطی که معین نموده اند
دولتین را محروم سازد همین طور حق دارد بهر دولتی
ولو آرژانتین و اکواتر باشد هر قسم امتیازی را که صلاح
بداند بدهد - لله و قیم شرعی و عرفی لازم ندارد
و بصوت بلند از در و دیوار صحرا و شهر کوه و
بیابان شنیده میشود که (ایران مال ایرانیان است)
و هیچ طائفه و ملتی جز ملت ایران حق تصرف و مداخله
در این خاک ندارد

حالا از برای ما چه باقی است که حافظ استقلال ما باشد؟ فهمیدن تکالیف و وظایف خود و عمل کردن بان تکالیف بکنفر وزیر دانشمند ایرانی در اینباب چنین بگوید: من میتوانم بشما با کمال قوت قلب اطمینان و خاطر جمعی حقیقی بدهم و شما را کاملاً مطمئن سازم که مملکت شما متعلق بخودتان است و احدی در یکشبر اراضی آن دست تعدی و تصرف دراز نخواهد کرد لکن یک شرط که شما بوظایف خود عمل کنید و از جاده استقامت خارج نشوید یعنی بهانه دست طرف و شمشیر بگف دشمن نگذارید جامه خود را پاک کنید و از کارزان پاک نداشته باشید اما هرگاه خودتان روش دیوانگان پیش گیرید و میدانرا برای حریف خالی نمائید البته تا آخرین نقطه امکان تعدی و تجاوز را فروگذار نخواهد کرد اکنون در نهایت اختصار مجملی از تکالیف خود را عرض داشته مابقی را برای خردمندان واگذار میکنیم:

(اول) آنکه مناقشات شخصی و منازعات خصوصی را کنار بگذاریم خود پسندی و خود خواهی را از خود دور کنیم با تمام قوی ناظر بحفظ مملکت باشیم نه آنکه در عین تلاطم دریا و شکستن سفینه با هم دست و کربان شویم راستی حالت ما بدان جمع ماند که در کشتی نشسته اند سفینه بسنگ خورد و دریا طوفانی شده و آب در طبقات تحتانی کشتی داخل گشته و آثار مرگ و فنا ظاهر گردیده در عین آن حالت در سر عبا و قبا چنگ کنیم باور ندارید نظر بوزارت خارجه کنید

در اینموقع که همه افراد ملت باید مراقب امر اروپیه و معاهده و سایر مهم پلتیکی باشند اجزاء وزارت خارجه در پوستین یکدیگر افتاده در سر انتخاب وزیر و گرفتن شغل و منصب با هم ستیزه دارند کجا رواست در چنین موقع نازک که ماشین پلتیک متصل باید در گردش باشد امور چنین وزارتخانه معطلی قرین اختلال باشد حالا جمعی تعطیل کردند و مجلسیان صلاح در تبدیل جناب سعد الدوله بشغل دیگر دیدند دیگر ثانیاً منازعه لازم ندارد جناب علاء السلطنه الحق لیاقت دارد و اگر نداشت چرا در این یکسال و نیم ابداً گفتگوئی نبود وزیر باید اولاً عالم باشد ثانیاً کارکن و زحمت کش ثالثاً خیر خواه نوع و این هر سه در علاء السلطنه جمع است دیگر دور و تسلسل لازم نیست —

همه کس میدانند که ما از هواخواهان جناب سعد الدوله هستیم و مکرر تمجید از ایشان کرده ایم لکن امروز باید وطن و نوع را ملاحظه کرده شخص را چنانکه حزب آزادی طلب و قوی دید محافظین غلبه کردند لابد تمکین کرده و وطن را فدای خیال و اعتقاد خود نمیسازد

درست است عزل جناب سعد الدوله خوب نبود ولی امروز متعرض علاء السلطنه شدن و اورا از کار بازداشتن هزار درجه بدتر است بله اگر بعد از این تغییر یک آدم ثابلی را باین شغل نصب میکردند جا داشت انسان اقدامات بنماید ولی برداشتن یک شخص لایق و دادن یکی دیگر که اونیز لایق است چندان مورد مناقشه نیست من امروز صلاح حال وزراء و وکلاء را در توجه بحال ملت و مملکت میدانم و گذاشتن از خیالات شخصی و سزاوار نیست مثل جناب سعد الدوله آدمی در اینموقع مشکل امور مختل کرد —

و بر دولتیان نیز واجب است چنین وجودی را عامل و باطل نگذارند رای ما از اول آن بود که جناب سعد الدوله را بوزارت تجارت منتخب نمایند و قبل از واقعه امین السلطان این حرف را گفتیم و حال هم میگوئیم — بهر جهت اگر بعد از این اجزاء وزارت خارجه کلمه راجع باین مطالب گفته اند در خاطر متهم خواهند شد مگر مملکت آلت ملاحظه من و شما است مجلس و پادشاه صلاح در صحت یکوزیری قابل دیده اند کدام آدم حق دارد در مقابل این دو قوه مجریه و مقننه اظهار مخالفت کند باری تکالیف اول ما گذاشتن از خیالات شخصی و توجه به مهم نوعی است (بقیه دارد)

(مکتوب یکی از وطن خواهان)

خدمت ذی سعادت جناب مدیر محترم روزنامه یومیه حبل المتین دام نائیداته زبان تشکر این بنده از نعمت وجود وطن خواهان دانشمند و مدیران جرأت فرهمند قاصر و عقل و قلم از ادای لغات و الفاظی که لایق مقام متین و طن خواهانه باشد قاصر است زیرا که هرچه بنده و امثال بنده بگویند یا پیشنهاد همت سازند از مسلک زیبا و طریقه غرا و ترسحات علمی آنهاست که خون فسرده عصیبت بجوش و عرق بزمرده قومیت و اهلیت ایرانی را بخروش آورده و عامه مردم احساس حقوق نوعیت و قومیت را نموده در دائره مساوات و برابری داخل شدند پس ضرر ندارد برسبیل اجمال دو کلمه از معنی مساوات و برابری بعرض برادران دینی خود رسانیده بعد از آن از نیات و اقدامات هیئت عدالتخانه مرکزی ایران خاطر محترم عموم وطن خواهان را آگاهی دهم مساوات و برابری از جمله الفاظ مقدسی است که در نزد مال تمدنه و امتیائیکه بدرجه برتری در عالم مدنیت و انسانیت بهمرسانیده اند مستعمل و مصطلح است ولی در هر مملکت بتفاوت استعمال میشود دولتهای جمهوری این لفظ را از جمله اساسهای جمهوریت دانسته و جمله احکامی را که متعلق بدولت و ملت و مصالح ملک و

مملکت است بر روی آن قرار داده اند

دول مشروطه احکام آنرا مخصوص بیض مواد
عمومیه کرده مرعی و مجری میدارند

فرقه دیگری هم هستند که بمساوات و برابری مطلق
معتقد شده اند ولی نیات این طبقه اخیره تا کنون و فوفی
الاجری است

بالاخره مقصود معتدل و حد وسط این مساوات
راجع بساوی حقوقی است که تساق باور زندگانی دارد
و این حقوق نیز باقتضای وضع جمعیتها شعبها پیدا کرده
و بمقدوری که برای زندگانی خودشان لازم دارند مقدر
میشود چنانچه برای رفع منازعات و مشاجراتیکه در نهاد
انبناء بشر گذاشته شده وجود محکمه های عادلانه واجب
گردیده که آنچه زاید است بردارند و آنچه ناقص است
ببفرازند تا آنکه هر دو طرف بار مساوی و معادل باشد
درینحالت حفظ شرائط این مساوات برآمده تمامی اجزای
ملك و مملکت بطور مساوات واگذار شده و همه
ملت را مكلف بر حفظ و تمامی اجرای آن داشته اند
چنانچه در قانون مقدس اسلام امر بمعروف و نهی از منکر
کار بست که اساس انتظام زندگانی و معاشرتهای ظاهری و معنوی
بر آن قرار گرفته و در این حکم احدی را استثناء نموده
و عموم مکلفین را وظیفه دانسته اند که برادران خودشان
را ببنیکی دعوت کرده از بدی پرهیز دهند

لذا عموم اهالی و افراد ملت بالاتفاق و بدون
استثناء باید خودشان را بحفظ آن حقوق و اسباب محافظت
ان حقوق مدیون دانسته و بهیچوجه خود را راجحه این
تکلیف معافی و معذور نشمرند قدری واضح تر عرض میکنم
همان تکلیفی که وزرای دولت و رؤسای ملك و ملت در
نهاداری احکام حقوق و شرائط حقوقیه دارند همان
تکلیف را ادنی رعیت و يك پيله و ور و پشه دوزی هم دارند
هرمی که دارد این است که ظهور آثار این تکلیف از هر
کسی باقتضای مقام خود تواند بود

پس میتوان گفت مساوات جان عدل و عدالت و شرائط
تمدن و انسانیت و اساس امر معاش و معاد دیدار رفاه و
امنیت بلاد و عباهاست صنعت عدالت را بکلمه طیبه
و بالعدل (قامت السموات و الارضین) بیابان
می آورم

اما این عدالت و مساوات وقتی در مملکتی تزلزل
اجلال مینماید که مجلس مقدس شورای ملی در آن
مملکت دائر بود

این عدالت و مساوات زمانی در مملکت جلوه آفرین میشود
که عدالتخانهها بنظارت مجلسیان و بصوم ملت منتقد گردد
این عدالت و مساوات روزگاری در مملکت تجلی میفرماید

که اجزاء عدالتخانه احساس قومیت و ملیت کرده مال و جان
عرض و ناموس مردم را مانند عرض و ناموس جان و مال
خود تصور نموده غنی و فقیر و وضع و شریف را در
نظر عادلانه محاکمه و محاکمات و در حضور قوانین
و نظامات یکسان و مساوی گرفته شوند

این عدالت و مساوات در عصری تابنده و درخشان
میشود که اجزاء عدالتخانه آن از روی دلتش و فتوت
و میل و رغبت ثروت حیسات خود را در بازار وجود
بامحبت جنس و مساعدت نوع مبادله کنند

این عدالت و مساوات در ایامی پرتو افکن میشود
که اجزاء عدالتخانه از صمیم قلب بگویند ما حیات خود را
برای ان میخواستیم که شدید روزگاری بسعادت نیک محبت
و معاونت انبناء نوع خود نائل شویم

بحمد الله تعالی از یوم اقدامات واقیه دانشمندان روحانی
و جسمانی و حدین نیات مقدسه اعلی حضرت شاهنشاهی
مجلس مقدس شورای ملی در مملکت ایران تاسیس گشت
و آفتاب عدل و مساوات در تابش آمد از برکت انفس
قدسیه انبیا هیئت عدالتخانه مرکزی نیز از روی دل و جان
خود را برای خدمت نوع و اجرای کلمه عدالت و استحکام
بنیان مساوات و انجام مقاصد مقدسه انبیا مجلس شورای ملی
دام تاییداتهم حاضر کرده غالب هیئت محترمه بالظوعه
و الرغبه محض اطمینان قلب و تامین خاطر یکدیگر روز چهارشنبه
۲۳ شهر شعبان المعظم دور یکدیگر کرده آمده پس از
مذاکرات لازمه در حضور کلام مجید ربانی قسم
بجلاله یاد نمودند که از شرائط مقرر منحرر نشده
بدون خیانت و گرفتن رشوه در خدمت نوع حاضر باشند
(صورت قسم نامه)

(بسم الله الرحمن الرحيم)

در حضور هیئت انجمن عدلیه خیارا شاهد میگیریم
و باین کلام مجید قسم میخوریم و با اجرای صیغه
والله العلی الغالب المملک المدرك که از امروز انفاق و
اتحاد جانی و مالی و بدی و لسانی و خدمت ملت
از روی صداقت نموده و حفظ حقوق با کسانیکه حاضر شده
در این انجمن اتحاد و اتفاق کرده اند داشته باشیم بر خلاق
اقدامات اتحاد انجمن عدلیه رفتار نکنیم
(امضاء کنندگان)

مؤید خاقان ، متمدن الوزاره ، برهان السلطنه
قوام المداله ، معاون همیون ، انتظام السلطان ، بدیع السلطان
نیاظم الوزاره ، مؤید دفتر ، مشکوة حضور
ضرغام حضور ، الی آخره

انجمن عدلیه نیز گذشته از اینکه روز چهارشنبه
در خود وزارتخانه تشکیل میشود روزهای یکشنبه و عصر

چهارشنبه نیز در خانه اجزاء منعقد است مذاکرات آنها فقط اجرای کلمه عدالت و خدمت بنوع و متروک داشتن ترتیبات استبداد است

هر گاه تمیم این خبر و تشریح اینجاسات برای اکاهی برادران وطنی لازم است مستدعی است درج فریده و بهمین نامه کریده درج فرموده تا عموم هموطنان از این مقصود مستحضر شده راقب و نظر باشند که هر وقت خلای اینمقصود مشاهده فرمودند بامدرک و برهان در جرات ثبت نمایند (تاسیه روی شود هر که در او غش باشد) (بنده بیدقنار محمد حسین الحینی فراهانی معاون همایون خادم عدلیه)

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

(سه شنبه ۲۹ شعبان)

قانون کلیه مطبوعات در دفعه اول قرائت شد و قرار شد که چاپ نموده بتمام وکلا داده شود تا ملاحظه و نظر نمایند بعد کمیون برای تصحیح و تصحیح او مقرر شود از آنجا بمجلس بیاید تا تصحیح و تصحیح شود مذاکره شد که بواسطه بودن ناخوشی در روسیه حجاج را عثمانی در قرانطین میکذارد خوبست که غدن شود اسال حجاج نروند زیرا که وقت ضیق و با وجود قرانطین در موقع بیج نمی رسند گفته شد که باید تحقیق این مسئله را از وزیر امور خارجه خواست راهمه از حضرت حجة الاسلام آقای آخوند ملا محمد کاظم مدظله بتوسط جناب آقای شیخ عبدالکریم وکیل محترم یزد قرائت شد که مشتمل بود بر تقویت و تایید و تمجید و تحسین و تشویق بر این اساس مقدس و معاونت و همراهی و مساعدت با آن و ضمنا اظهار تشکیات اهالی یزد که مجلس مقدس رسیدگی نماید و جناب آقای شیخ عبدالکریم از تفصیلات تظلمات و قتل پرویز زردشتی و شخص میرزا محمد نام که مروف بقاتل مشار الیه است اظهار داشت قرار شد که بوزارت داخله نوشته شود که احقاق حق بعمل آید

در خصوص وقت مجلس در ایام ماه مبارک رمضان مذاکره شد قرار شد که در ساعت سه بفرود مانده تشکیل شود و نیم بفرود مانده ختم تلگرافی از جنابان حجة الاسلام حاجی شیخ محمد تقی و آقای حاجی آقا نورالله قرائت شد که در اسفهان از بابات و نه ارومیه هیجان غریبی بین ملت ظاهر و تریب پنجاه هزار نفر در کوه صه جمع با اسلحه و آلات حرب حاضر و بکلام الله مجید قسم یاد کردند که با جان و مال الماس مشروطیت همراه و بروند بارومیه برای دفع و در این عقد اتحاد و اتفاق نصاری و یهود و مجوس هم حاضر بودند

تلگرافی دیگر از جنابان معظمان در باب سخت گرفتن سندن دره و رچه خور و تشکی از بختیارها و اینکه اهل اسفهان رضایت از میرزا علی رضا خان که برای عدلیه اسفهان معین شد ندارند مستدعی اند که خود انجمن کسی را اختیار و انتخاب نماید یا شخص کافی و امین دیگر معین شود محتشم السلطنه که برای ناموریت کمیسیون سرحدی انتخاب شده بودند پاره اظهارات داشتند که باید اگر من بروم اولاً اختیارات لازمه داشته باشم و ثانیاً بی استمداد نمیروم باید قشون از همدان و خمسه و قزوین حاضر و روانه شوند و مخارج آنها داده شود و حکومت اذر بایجان با استقلال باقی باشد تا موجب اختلال و ضعف در امورات راجعه بسرحدی نشود و پاره از حرفها بدون تفکر و تأمل در باره بنده گفته نشود و دیگر اینکه جراتد بعدها در باره این حرکات عسا کر عثمانی عبارات سوء و بیانات غیر مرضیه ننویسد. بعضی از مطالب هم هست که باید در مجلس محرمانه بگویم مجلس بر حسب استدعای ایشان سری شد

(مرده)

جناب رکن الملک و مؤسس بنیان الحریه و باب نجات الامه آقای آقا سید جمال الدین که شرح معالی و مفاخرش کران تا کران را احاطه نموده و نطق کهر فشانست ملت ایران را از مذلت بندگی و رفیت نجات داده چندی بود بواسطه يك اتفاق ناگوازی حلیف بستر بودند عامه و خاصه را از نعمت کلمات حکمت آثار محروم داشتند بحمد الله این ایام دیدار جمله را بجمال خود منور فرموده و ماه مبارک صیام سه ساعت بفرود در مسجد شاه ملت را مستفیض خواهند نمود پشقایید باین فیض عظیم و فرا گیرید آن بیانات حکیمانه را که و سیله نجات این ملت اسفاء فرمایند آن یکانه دوران است و بس

اعلان

کتاب (مارکو فرانسه و فارسی) (شمس طالع) (و نضت نامه) از ترجمه و تالیفات ماطه ووس خان ملیک یانس در کتابخانه تربیت در مطبعه فاروس و در کتابخانههای معتبر دار الخلاله برای فروش موجود است

(اعلان)

(علم عکاسی جدید)

کتابی است مفصل که با کمال دقت با قرائت خیلی سهل تمام مطالب جدید و نو ظهور عکاسی را شرح میدهد تالیف کار نیک خان دالگیجیان دوا ساز روبروی تلکرافخانه مبارکه قیمت جلدی پنجاه ریال است اگر از ولایات هم خواسته شود با اجرت پست باید ارسال شود (حسن الحینی الکاشانی)